

احمد احمدی - دبیر زبان

مکتب سمبولیسم

پول ورلن (۱۸۴۴-۱۸۹۶)

پول ورلن (Paul Verlaine) در سال ۱۸۴۴ میلادی در مِتز تولد یافت . پس



از آنکه تحصیلاتش را بیایان برد استخدام شد و پس از اندک زمانی ازدواج کرد ، اما بزودی زندگی زناشویی را ترک گفت و در انگلستان و بلژیک و فرانسه بسیر و سیاحت پرداخت و بزنگی بی بند و بار خود ادامه داد . ورلن لابلالی و الکلیک بود و با ضعف اراده و بی اعتنائی بجهانیان بنا بودی تدریجی خود مینگریست . یکی از منتقدین بزرگ فرانسه در حق وی گفته است :

«ورلن يك مخیله شهوانی را با حزن آهنگداری درهم آمیخته بود» .

با وجود چنین روحیه‌ای ورلن در شعر فرانسه تأثیر فراوانی کرد و نفس تازه‌ای در آن دمید و موجد مکتب جدیدی شد که بعدها سمبولیسم نامیدند . ورلن بالاخره در سال ۱۸۹۶ در مریضخانه بدرود حیات گفت .

پول ورلن ابتدا از شعرای رمانتیک و همکار لکنت دولیل (Le conte de Lisle) بود و از اشعار بودلر نیز الهام گرفت ولی اشعارش از ابتکار و اصالت عاری نبود بطوریکه مدت بیست سال شعر فرانسه تحت نفوذ اشعار و نغمات وی قرار گرفت . جذائیت اشعار ورلن درین است که پیش از آنکه تشریح و تعریف شوند احساس میگردند . و نیز اشعار این شاعر حساس بجای اینکه مانند اشعار کلاسیک‌ها و رمانتیک‌ها نقاشی و توصیفی از عالم خارج باشند موسیقی دلپذیر و جذابی هستند . کلمات و الفاظ بیشتر از نظر تصویر ورلن را نقاش هنرمند آفای رخشان (بیرجند) کشیده است .

آهنك اهميت دارند تا از نظر معنی - در حقیقت معنی کلمات همیشه باید با موزيك الفاظ مطابقت کند و خواننده را تحت تأثیر خود قرار دهد .

ورلن فوق العاده حساس و خیال‌باف بود و پس از آنکه نتوانست خود را بزندگی زفاشویی راضی کند روح خود را بیاده‌گساری خوش کرد و در عوالم تخیلات و تصوّرات شاعرانه غوطه‌ور شد .

ورلن نظریاتی مخالف نظریات تئوفیل گوتیه^(۱) و بانویل^(۲) ابراز کرد و در برابر گفته گوتیه که عبارت از تز معروف (هنر برای هنر) بود قیام کرد و اشعار منفرد و غیرمقتی برداخت و قافیه را بیاد استهزاء و تمسخر گرفت ، اما می‌توان گفت که پول ورلن تنها فردی است در مکتب سمبولیست‌ها که توانست اشعار عمیق و فصیحی بسراید و موجب رونق این مکتب شود . شاید بجا باشد پاره‌ای از نظریات کلی سمبولیست‌ها را در اینجا بیاوریم :

مکتب سمبولیسم : در سال ۱۸۸۰ فلسفه ایدآلیسم در فرانسه شیوع پیدا کرده بود . فلسفه بدینی و اسرار آمیز شوپنهاور در شعرای سمبولیست اثر بسیار و آنها را در عالم تخیلات و رؤیای اسرار آمیزی وارد کرده بود که همه چیز جهان را با دیده مبهم و غیر مشخصی مینگریستند . شعراء سمبولیست میخواستند با زمزمه های آرام و مبهمی که بقول ورلن شبیه به « موسیقی بی سخنی » بود ، تخیلات مبهم خود را مجسم کنند . با آنکه رآلیست‌ها و پوزیتویست‌ها سعی کرده بودند که مردم را حقیقت‌بین و مثبت بار آورند اما با ظهور مکتب سمبولیسم دیگر نابازار تخیلات و تصوّرات بالا گرفت . سمبولیست‌ها شعری را میخواستند که بیشتر بموسیقی نزدیک باشد و می‌گفتند که شعر نیز باید مانند موسیقی مبهم باشد . لازم نیست این چنین شعری بطور قاطع در آدمی اثر کند بلکه مانند موسیقی بایست آمیخته با تخیلات باشد و اثرش نیز در انسان بطور مبهم ایجاد شود . می‌گفتند که وزنه‌های معین شعری محیله را از حرکت باز میدارد و بالهای تخیل را می‌بندد . شعر تظاهری از حالات روحی است . برای آنکه تخیل بتواند در عرصه پهنآوری وارد شود باید با حقیقت و واقعیت قطع رابطه

کند و از حدود و سنن و قواعد روشن و صریح که تخیل را محصور و محدود میکنند خارج شود. بنابراین اصل باید خطوط و حدود را مبهم ساخت تا دامنهٔ تخیلات وسیع تر شود، بنابراین بعقیدهٔ آنها باید قواعد کلاسیکها و سنن آنها را برهم زد.

سمبولیست ها در عالم نمایش و تأثر نیز نفوذ کردند و بزرگترین نمایش نامه نویس سمبولیست فرانسوی ژول لافورس^(۱) است که نمایشنامه‌های سمبولیک نوشت. اما موريس مترلینگک^(۱) نویسندهٔ بلژیکی که در ایران بخوبی معروف است نمایشنامه های سمبولیک نوشته و آنها را بر اساس نوعی از نظریهٔ عرفانی مدون ساخته است. نمایشنامهٔ پرنسس مالن و پرندهٔ آبی از نمایشنامه‌های سمبولیک است. درین نمایشنامه ها هر يك از احساسات و تصورات و تخیلات مظهر و سمبولی پیدا میکنند.

در زبان فارسی منظور از سمبل یا مظهر همان است که بدان کنایه میگویند. سمبولیسم وقتی بوجود می آید که هر يك از اشیاء و امور، مظهر و سمبلی پیدا کرده باشد چنانکه بادام مظهر چشم و سنبل یا بنفشه مظهر مو و عناب مظهر لب میباشد، آنگاه که این مظاهر را بیاد آوریم آن شئی یا آن اندیشه در ذهن پیدا خواهد شد زیرا در حقیقت بین آن دو شئی رابطه‌ای دقیق برقرار شده است. لازم نیست همیشه اسماء ذات مظهر داشته باشند گاهی نیز اسماء معنی مظهر پیدا میکنند چنانکه مظهر و سمبل عشق در نزد متصوفین پروانه است. عرفا و متصوفین بزرگ ایران همچون مولوی - عطار - سنائی در آثار جاویدان خود برای اشیاء و امور معنوی سمبولهائی انتخاب کرده‌اند و منطق الطیر عطار نمونهٔ بسیار روشنی از آنست. اخیراً اقبال لاهوری که از شعراء بسیار نامی پاکستان است سمبولیسم متصوفین بزرگوار ما را تعقیب کرده و در حقیقت آنرا زنده کرده است.

اینک نمونه ای از اشعار ورنل شاعر معروف فرانسوی را در اینجا می آوریم و چون درین مکتب آهنگ کلمات بیشتر ارزش دارد شاید کلماتی از نظر آهنگ اهمیت داشته باشد و در معنی غیرعادی آن در شعر استعمال شود ازینرو برای اینکه موسیقی الفاظ را نیز دریابند عین شعر (نغمهٔ پاییز) و ترجمهٔ آن را درینجا می آوریم:

CHANSON D'AUTOMNE

Les Sanglots longs
 Des violons
 de l' automne
 Blessent mon Coeur
 d' une langueur
 monotone .
 Tout Suffocant
 Et blême, quand
 Sonne l'heure
 Je me souviens
 Des jours anciens
 Et je pleure
 Et je m'en vais
 Au vent mauvais
 Qui m'enporte
 De ça, de là,
 Pareil à la
 Feuille morte

شورشگاه طالع و طالع‌ها
 ترانه پاییزی

ناله های طولانی - سازهای پاییزی که با ضعف و بی‌رمقی - یک نواخت - قلبم را جریحه دار
 میسازند - هنگامیکه صدای زنگ ساعت بلند میشود - من با نفسی تنگ و رخساری زرد روزگار
 گذشته را بخاطر می‌آورم و گریه میکنم - همچون برگ خشکیده خزان - خود را بدست باد
 میسپارم - تا مرا بدینسو و بدانسو ببرد .

